

پل ریکور و هرمنوتیک روایی

مقدمه‌ای بر طرح هرمنوتیکی انتقادی

نویسنده:

محمد شکری

www.ketab.ir



نگارستان اندیشه

تهران، ۱۳۹۶

سرشناسه: شکری، محمد، ۱۳۶۸
عنوان و نام پدیدآور: پل ریکور و هرمنوتیک روایی: مقدمه‌ای بر طرح هرمنوتیکی
انتقادی / نویسنده محمد شکری.
مشخصات نشر: تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.
شابک: ۹۷۸۶۰۰۸۲۷۳۰۴۸۶
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
موضوع: ریکور، پل، ۱۹۱۳-۲۰۰۵ -- نقد و تفسیر
موضوع: Ricoeur, Paul -- Criticism and interpretation
موضوع: هرمنوتیک
موضوع: Hermeneutic
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸پ/ش B۲۴۳۰
دهبندی دیویی: ۱۴۹/۱۹
شماره کتابشناسی ملی: ۴۸۸۵۷۰۵

پل ریکور و هرمنوتیک روایی مقدمه‌ای بر طرح هرمنوتیکی انتقادی

نویسنده: محمد شکری

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مرتضی انصاری

نمونه‌خوانی: وحید دریابیگی

طراح جلد: سعید صحابی

چاپ: اول، ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: نسیم

نشانی ناشر: م. انقلاب، ابتدای خ آزادی، خ بهزاد، شماره ۲۹ واحد ۷

تلفکس: ۶۶۴۳۵۴۲۳-۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@rics.ir

فهرست کتاب

۱۳.....	پیش گفتار.....
بخش اول: هرمنوتیک ریکور، از نمادشناسی تا نظریه روایت:	
۲۱.....	توسعه هرمنوتیک در اندیشه پل ریکور.....
۲۳.....	۱. تکامل فلسفی ریکور: از پدیدارشناسی به هرمنوتیک.....
۲۴.....	۱-۱. تکامل فلسفه ریکور به روایت آثار.....
۲۸.....	۱-۲. تکامل فلسفه ریکور به روایت مسائل.....
۳۰.....	۳-۱. توسعه هرمنوتیک ریکور در پس آثار و مسائل.....
۳۱.....	۲. نماد: بیان تجربه و افزونگی معنا.....
۳۳.....	۱-۲. پدیدارشناسی هرمنوتیکی: بعد و تجربه زیسته.....
۳۴.....	۱-۱-۲. سطح ایستا: پدیدارشناسی نمادهای شری.....
۳۵.....	۲-۱-۲. سطح پویا: اسطوره به مثابه هرمنوتیک نمادها.....
۳۶.....	۲-۲. تجربه و بیان.....
۳۸.....	۳-۲. روی آوردگی دوگانه.....
۳۹.....	۴-۲. معناشناسی: تأویل و دلالت‌های نمادین.....
۴۰.....	۱-۴-۲. نماد و نشانه: افزونگی معنا به مثابه امری معین.....
۴۰.....	۲-۴-۲. نماد و تمثیل: افزونگی معنا به مثابه امری مقوم.....
۴۱.....	۳-۴-۲. نماد و استعاره.....
۴۳.....	۳. استعاره: بازتوصیف واقعیت.....
۴۴.....	۱-۳. در پی نظریه متن: استعاره، گفتمان و معناشناسی.....
۴۸.....	۲-۳. رویداد و معنا.....
۵۰.....	۳-۳. فحوا و مرجع.....
۵۱.....	۱-۳-۳. در پی تبیین: استعاره و مسئله فحوا.....
۵۳.....	۲-۳-۳. در پی تأویل: استعاره و مسئله ارجاع.....
۵۷.....	۴. روایت: بیان زمان‌مند کنش انسانی.....

- ۱-۴. از استعاره به روایت: از خطابه به بوطیقا..... ۵۷
- ۲-۴. شباهت‌های نظریه استعاره و نظریه روایت..... ۵۹
- ۱-۲-۴. شباهت در سطح فحوا..... ۵۹
- ۲-۲-۴. شباهت در نحوه ارجاع..... ۶۰
- ۳-۴. روایت به مثابه بسط نظریه استعاره..... ۶۲
- ۱-۳-۴. نوآوری معناشناسانه..... ۶۲
- ۲-۳-۴. نقش تخیل مولد..... ۶۲
- ۳-۳-۴. خردپذیری در مقابل عقلانیت..... ۶۳
- ۴-۱-۴. ارجاع استعاری و ارجاع روایی..... ۶۳
- ۴-۴. به سوی نوعی نظریه هرموتیکی مستقل..... ۶۴

بخش دوم: هرموتیک روایی

- نگاهی به نظریه هرموتیکی ریکور در ایران و روایت..... ۶۹
۱. از پیرنگ‌سازی تا محاکات؛ و نسبت بنی به کنش انسانی و تقلید خلافاً از آن..... ۷۱
- ۱-۱. دو بسط نظری در بوطیقای ارسطو..... ۷۱
- ۱-۲. محاکات: کنشی فراتر از تقلید و بازسازی..... ۷۲
- ۱-۳. کنش بوطیقایی: نخستین مفهوم فهم روایی..... ۷۴
- ۱-۴. زمان‌مندی: دومین مفهوم نظریه روایت..... ۷۶
- ۱-۵. خردپذیری خاص کنش و اصل اساسی فهم روایت..... ۷۷
۲. محاکات سه‌گانه..... ۸۱
- ۱-۲. انفصال و اتصال محاکات نسبت به امر واقع..... ۸۱
- ۲-۲. محاکات ۱: پیش‌بیکربندی..... ۸۲
- ۱-۲-۲. خصوصیات ساختاری کنش..... ۸۲
- ۲-۲-۲. خصوصیات نمادین کنش..... ۸۳
- ۳-۲-۲. خصوصیات زمانی کنش..... ۸۵
- ۳-۲. محاکات ۲: هم‌بیکربندی..... ۸۹
- ۱-۳-۲. بازگشت به پیرنگ‌سازی: گذار از محاکات ۱ به محاکات ۲..... ۸۹
- ۲-۳-۲. شاکله‌سازی و سنت‌مندی..... ۹۲
- ۴-۲. محاکات ۳: بازبیکربندی..... ۹۴
- ۱-۴-۲. دور هرموتیکی محاکات..... ۹۵

فهرست مطالب ۹

۲-۴-۲. کنش خوانش و گذار از محاکات ۲ به محاکات ۳.....	۹۹
۲-۴-۳. ارجاع روایی.....	۱۰۰
۲-۴-۳-۱. پیش فرض هستی شناسانه؛ وضعیت کنش های گفتمان به طور عام.....	۱۰۰
۲-۴-۳-۲. پیش فرض بوطبقایی؛ وضعیت آثار ادبی در میان کنش های گفتمان.....	۱۰۲
۲-۴-۳-۳. پیش فرض روایی؛ وضعیت روایت ها در میان آثار ادبی.....	۱۰۴
۲-۴-۴. زمان روایت شده.....	۱۰۵
۳. روایت تاریخی.....	۱۰۷
۳-۱. ررس اجمالی مواجهه ریکور با دو نظریه رقیب.....	۱۰۸
۳-۱-۱. الگوهای پوزیتیویستی و «قانون شناسانه».....	۱۰۹
۳-۱-۲. نقد نظریه های روایت کرایانه.....	۱۱۱
۳-۲. روی آوردن تاریخی.....	۱۱۲
۳-۲-۱. تبیین علمی در روایت تاریخی.....	۱۱۳
۳-۲-۲. موجودیت های مرئی اول در تاریخ.....	۱۱۸
۳-۲-۳. زمان در تاریخ.....	۱۲۰
۴. روایت داستانی.....	۱۲۳
۴-۱. دگردیسی های بیرنگ و محدوده های بهم روایی.....	۱۲۳
۴-۲. تأمل داستانی و غنی سازی زمان روایی.....	۱۲۶
۴-۲-۱. عبارت و اظهار.....	۱۲۷
۴-۲-۲. زمان روایت گری و زمان روایت شده.....	۱۲۸
۴-۲-۳. نقطه نظر و صدای روایت.....	۱۲۹
۵. درهم تنیدگی تاریخ و داستان.....	۱۳۳
۵-۱. تنش های دیالکتیکی داستان و تاریخ.....	۱۳۳
۵-۲. داستان مندی تاریخ و تاریخ مندی داستان.....	۱۳۶

بخش سوم: هرمنوتیک روایی به مثابه هرمنوتیک انتقادی

نگاهی به توان انتقادی هرمنوتیک ریکور در مقایسه با هرمنوتیک گادامر.....	۱۴۱
۱. از هرمنوتیک فلسفی تا هرمنوتیک روایی.....	۱۴۵
۱-۱. عام بودن و تاریخ مندی هرمنوتیک.....	۱۴۶
۱-۱-۱. ریکور و شلایر مایر.....	۱۴۶
۱-۱-۲. ریکور و دیلتای.....	۱۴۷

- ۱۴۸ ۲-۱ پدیدارشناسانه بودن هرمنوتیک
- ۱۴۹ ۱-۲-۱ روی آوردگی
- ۱۴۹ ۲-۲-۱ ابو خه
- ۱۵۱ ۳-۲-۱ ساختار زبانی تجربه
- ۱۵۱ ۳-۱ معنای هرمنوتیکی و معیار آن
- ۱۵۲ ۱-۳-۱ بقی و احیای ایزکتیوینه تأویل
- ۱۵۳ ۲-۳-۱ هیرش و احیای اعتبار تأویل
- ۱۵۴ ۱-۳-۱ ریکور و نفی هرگونه تأویل نیست معنا
- ۱۵۵ ۱-۳-۳-۱ چیزی که گفته می شود
- ۱۵۵ ۲-۳-۱ کسی که می گوید
- ۱۵۶ ۱-۳-۳-۱ کسی که درباره آن گفته می شود
- ۱۵۷ ۲-۳-۱ کسی که به او گفته می شود
- ۱۵۸ ۴-۳-۱ درهم تنیدگی بهم و تسین
- ۱۶۱ ۲ از حقیقت و روش تا زمان و روایت
- ۱۶۱ ۱-۲ تاریخ مؤثر و پیش پیکربندی
- ۱۶۳ ۱-۱-۲ تاریخ مؤثر در حقیقت و روش
- ۱۶۷ ۲-۱-۲ کاستی های مفهومی تاریخ مؤثر
- ۱۶۹ ۳-۱-۲ پیش پیکربندی: تعمیق و توسعه تاریخ مؤثر
- ۱۷۲ ۲-۲ محاکات و هم پیکربندی
- ۱۷۳ ۱-۲-۲ محاکات در حقیقت و روش
- ۱۷۵ ۲-۲-۲ کاستی های مفهومی محاکات گادامری
- ۱۷۷ ۳-۲-۲ هم پیکربندی: تعمیق و توسعه محاکات
- ۱۸۰ ۳-۲ کاریست و باز پیکربندی
- ۱۸۰ ۱-۳-۲ کاریست در حقیقت و روش
- ۱۸۴ ۲-۳-۲ کاستی های مفهومی کاریست
- ۱۸۶ ۳-۳-۲ باز پیکربندی: تعمیق و توسعه کاریست
- ۱۹۱ ۳ هرمنوتیک روایی به مثابه هرمنوتیک انتقادی
- ۱۹۲ ۱-۳ تقریر مناظره گادامر- هابرماس
- ۱۹۳ ۱-۱-۳ تاریخچه مناظره و مرور کلی مواضع

فهرست مطالب ۱۱

۱۹۴	۲-۱-۳. تشریح اجمالی مناظره از درون
۱۹۸	۳-۱-۳. تحلیل اجمالی مناظره از بیرون
۱۹۹	۲-۳. موضع ریکور در مواجهه با مناظره
۲۰۱	۱-۲-۳. ابعاد انتقادی هرمنوتیک فلسفی
۲۰۴	۲-۲-۳. ابعاد هرمنوتیکی نظریه انتقادی
۲۰۶	۳-۲-۳. رابطه دیالکتیکی هرمنوتیک فلسفی و نظریه انتقادی
۲۰۹	نتیجه‌گیری
۲۱۳	پی‌نوشت‌ها و کتاب
۲۲۱	منابع
۲۲۵	واژه‌نامه

پیش‌گفتار

پل ریکور (۱۹۱۳-۲۰۰۵)، فیلسوف فرانسوی معاصر، هرچند معروف‌ترین یا پرطرفدارترین فیلسوف قرن بیستم نیست، ولی بی‌شک یکی از جامع‌الاطراف‌ترین آن‌هاست. آثار او، چنانچه یکی از شارحان او، کارل سیمز، می‌گوید در تلاقی با موضوعات دیگر از جمله دین و تأویل کتاب مقدس، اخلاق، تاریخ، نقد ادبی، روان‌کاوی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی نوشته شده است و از همین رو، دانش دیگر حوزه‌های علوم انسانی و علوم اجتماعی همان اندازه اهمیت دارد که برای فلسفه. ولی نباید همین گستردگی بیش از حد آثار اوست که سبب شده است ریکور در ایران، به نحوی، به‌راجه و متسجم شناخته نشود. از میان آثار متعددی که از وی ترجمه شده، به سختی می‌توان کتابی کامل یافت. از سه جلدی بسیار مهم *زمان و روایت*، تنها دو جلد اول (که به نقد ادبی و تاریخ درآمیده) ترجمه شده است؛ در حالی که بی‌شک جلد سوم فلسفی‌ترین جلد این مجموعه است. هم‌نین، حیران‌کننده‌ترین کتابی با عنوان *ایدئولوژی، اخلاق و سیاست* از او ترجمه شده که تنها بخش سوم از کتاب سه بخشی از متن تا کنش، مهم‌ترین اثر در فهم هرمنوتیک متأخر ریکور، است.

هرچند آثار ریکور فاقد تابوشکنی‌های رایج در میان تفکر قرن بیستمی است، ولی باز همان‌طور که سیمز گفته است، ریکور در عوض کوشیده است تا به نحوی دیالکتیکی میان سنت‌های مختلف فلسفه و گفتمان‌های علوم انسانی پل بزند. و بجای آنکه تفاوت‌های اندیشه‌های خود را با دیگران ریشه‌ای کند، به توسعه شباهت‌ها پرداخته و همین مشی اوست که این احساس را به مخاطبانش منتقل می‌کند که اندیشه ریکور از دیگران برترفته شده است و شاید به همین دلیل، به خصوص در جامعه علوم انسانی و حتی فلسفی ایران جایگاه درخشانی ندارد. اما بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که او متفکری اصیل و رده‌اول است و اصلش به این است که بجای مخالفت صرف، در عین قرارگرفتن در چارچوب اندیشه متفکرین مختلف، چیزی به تک‌تک آن‌ها و به کل فلسفه و علوم انسانی اضافه می‌کند. در صدر این متفکرین، می‌توان نام هانس - گئورگ گادامر (۱۹۰۰-۲۰۰۲)، فیلسوف آلمانی را قرار داد. ریکور در عین تأثیرپذیری از هرمنوتیک فلسفی گادامر، با صورت‌بندی و مسیریابی مجدد و از آن‌خودسازی آن، به این هرمنوتیک توان انتقادی مضاعف و هم‌چنین امکان‌هایی اخلاقی، سیاسی و

جامعه‌شناختی بخشیده است.

ریکور، زاده ۱۹۱۳ در والانس فرانسه، هم‌چون غالب فلاسفه قاره‌ای هم‌عصر خود، تحت تأثیر سپهر فلسفی زمانه خود، یعنی هوسرل، هایدگر، یاسپرس و بیش از همه مارسل بود. بنا بر مقدمه‌ای که تامپسون بر هرمنوتیک و علوم انسانی نوشته است، تحت تأثیر مارسل بود که مفاهیم آزادی، تنهایی و امید در فلسفه ریکور نقشی محوری یافت؛ هرچند ریکور به روش و الگویی منضبط‌تر و دقیق‌تر از خود مارسل برای رسیدن به این اهداف معتقد بود. این الگوی منضبط همان دیدارشناسی هوسرل بود که پایبندی به آن، ریکور را حتی از هایدگر و گادامر نیز متمایز کرد. اخذ کرسی تاریخ فلسفه دانشگاه استراسبورگ در سال ۱۹۴۸ و نیز اخذ کرسی فلسفه عمومی دانشگاه سوربن در سال ۱۹۵۷ در شکل‌گیری آثار او از سه‌گانه «فلسفه اراده» تا فرماید و فلسفه جسمانی در دوره تأویل (که سرآغاز شکل‌گیری هرمنوتیک انتقادی اوست)، در تدوین و تکامل فلسفی ریکور بسیار از هر چیز اهمیت داشت. پذیرش پست ریاست در دانشگاه نانتر در سال ۱۹۶۶ و به‌عنوان مجری تقریباً اجباری به دانشگاه شیکاگو پس از حوادث سال ۱۹۷۰ مسیر فلسفی ریکور را در این زمان به فلسفه تحلیلی و قاره‌ای شکل داد. دو کتاب تعارض تأویل‌ها، قاعده استعاره (استعاره متناهی) و مقالات پرشمار دیگر حاصل همین سال‌های پرماجرای او بود. پس از بازگشت به فرانسه، ریکور طرحی از هرمنوتیک فلسفی بر پایه نظریه روایت در انداخت که من آن را هرمنوتیک روایی خوانا نام. این طرح که پخته‌ترین صورت هرمنوتیکی ریکور است موضوع اصلی این کتاب، برای به‌دور بندگی‌های پیشین آن است.

به این ترتیب، کتاب حاضر دو هدف عمده برای خود در نظر گرفته است: نخست معرفی هرمنوتیک ریکور، به ویژه نسخه تکمیل‌یافته آن، یعنی هرمنوتیک روایی؛ و دوم نشان‌دادن ابعاد انتقادی این هرمنوتیک در مقایسه با هرمنوتیک فلسفی گادامر.

با توضیحات بالا ذکر چند دقیقه خالی از لطف نیست. اولاً مدعای متن حاضر این نیست که هرمنوتیک ریکور را باید «از طریق» یا «همراه با» هرمنوتیک گادامر فهمید. به عکس، ریکور خود تصریح می‌کند که برای طرح هرمنوتیکش مسیری جایگزین و طولانی نسبت به آنچه هایدگر و گادامر رفته‌اند می‌پیماید. همچنین توجه به ابعاد انتقادی هرمنوتیک ریکور ادعای صورت‌بندی یک نگرش انتقادی تمام‌عیار برای تمام مسائل سیاسی، اخلاقی و جامعه‌شناسانه را نتیجه نمی‌دهد. مدعای متن حاضر تنها در این چارچوب محدود می‌شود که ریکور هرمنوتیک خود را در سیر تکامل آن، به‌نحوی صورت‌بندی کرده که برخی از نقدهای هابرماس به هرمنوتیک گادامر در آن، نقدهایی اساسی تلقی شده است. از این رو، هرمنوتیک

ریکور در ادوار مختلف خود برای برون‌شدن از چالش‌های انتقادی، پرورده شده است. به عبارت دیگر، پیرنگ کلی این کتاب به این منظور سامان یافته که علاوه بر معرفی مقدماتی بخش کوچکی از فلسفه ریکور که راه بسیاری برای پر شدن خلأ آن باقی است، نشان دهد که هرمنوتیک او در عین ریشه‌داری در سنت هرمنوتیک فلسفی از توان انتقادی ویژه‌ای برخوردار است و نتیجتاً برای ورود به عرصه فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی شناخت و پدیدارشناسی دین از نقطه نظر هرمنوتیکی و پدیدارشناسانه، بسیار مستعد است.

هرمنوتیک ریکور ادوار مختلفی دارد. این ادوار البته در ادامگی هم و به عنوان مکمل هم ظاهر شده‌اند. و همین دلیل، به نظر نمی‌رسد که تفکیک ریکور متقدم و متأخر بر مبنای این ادوار، تفکیکی کاملاً دقیق باشد. اما می‌توان چند دوره کلی را در زندگی فلسفی ریکور بازشناسی کرد که همگی پس از چرخش او به سوی هرمنوتیک پدید آمده و هر یک با توجهی که او به وجهی از هرمنوتیک دارد مشخص می‌شود. از این رو، من در بخش اول کتاب حاضر، کوشیده‌ام که پس از شرح مفصّل از دوران پیشا هرمنوتیکی ریکور، سه دوره‌ی هرمنوتیکی برای او بازشناسی و هر یک را با برجسته ساختن یک نظریه خاص در اندیشه وی بازنمایی کنم: نظریه نماد، نظریه استعاره و نظریه روایت. انتخاب این سه دوره یا نظریه، دلیل به‌خصوصی دارد: ریکور تا پایان، از ویژگی‌های نمادین و استعاره‌ی فهم روایی دست نکشید و همین مضامین بود که به صورت‌بندی نهایی نوعی هرمنوتیکی انتقادی در هرمنوتیک روایی او منجر شد. حضور مؤلفه‌های نمادین و استعاره‌ی، چه در بخش دوم و چه در بخش سوم کتاب حاضر، کماکان مشهود است.

هرمنوتیک نماد، یا چنانچه برخی شارحان ریکور می‌گویند، پدیدارشناسی هرمنوتیکی او، که با نمادشناسی شر^۱ آغاز می‌شود و تا تعارض تأویل^۲ ادامه دارد، بر دو موضوع متمرکز است: ساختار بیانی تجربه زیسته و چندمعنایی نماد، به عنوان نظام پیچیده بروز و انتقال تجربیات انسانی. پس از آن، ریکور با ورود به نظریه استعاره، برداشت خود از هرمنوتیک را توسعه داد. قاعده استعاره^۳ مهم‌ترین اثر او در این خصوص، با تشریح استعاره، به مثابه بیان فهم هرمنوتیکی، نحوه ارجاع و بازتوصیف واقعیت توسط آن را در کانون توجه قرار داد. مدتی پس از این اثر بود که ریکور، هرمنوتیک خود را نیازمند توسعه در تبیین زمان‌مند گفتمان و

1. symbolism of evil

2. The Conflict of Interpretations

3. The Rule of Metaphor

کنش انسانی دید. به همین سبب، نظریه روایت، در نقش توسعه‌گر نظریه استعاره ظاهر شد. به همین دلیل، زمان و روایت^۱ را اثری در ادامه قاعده استعاره معرفی می‌کند.

بخش دوم کتاب به شرح نظریه روایت، یا هرمنوتیک روایی، با تمرکز محض بر سه جلدی زمان و روایت، مهم‌ترین منبع درباره آخرین دوره هرمنوتیکی ریکور اختصاص دارد. نظریه روایت که خود را بر کل عرصه بوطیقای عرضه می‌کند یک ادعای عمومی دارد: «زمان تا جایی به زمان انسانی تبدیل می‌گردد که به شیوه یک روایت سازمان‌دهی شود. روایت نیز به نوبه خود، تا جایی معنادار است که ویژگی‌های زمان‌مند تجربه را ترسیم کند». با این‌همه در بخش دوم کتاب، خبری از شرح جنبه زمانی هرمنوتیک روایی نیست. این غفلت عامدانه به منظور تمرکز صرف بر دومین هدف این اثر رخ داده است که در بخش سوم تحقق خواهد یافت: مقایسه هرمنوتیک روایی ریکور با هرمنوتیک فلسفی گادامر، به منظور نشان دادن ابعاد انتقادی رویکرد اولی، که پرداختن به نظریه زمان روایی، خود، پژوهش محققانه‌ی مجزایی می‌طلبد.

با ورود به نظریه روایت، ریکور بزرگ‌ترین اثر هر زمان دیگر به سنت هرمنوتیکی هایدگر و گادامر نزدیک می‌شود. مجموعه مقالاتی که در این دوران توسط او نگاشته‌شده، یعنی دو مجموعه تقریباً یکسان هرمنوتیک و علوم انسانی^۲ و از سن به کنش^۳، در تبیین نگاه روایی او و جایگاه کنش و ابعاد سیاسی و اجتماعی نظریه او به نظر می‌رسد. همین نگاه اجتماعی سبب شد که او، تکمیل نظریه روایت خود را در ارائه نظریه‌ای روایی^۴، ربابا هویت ببیند. خویش را به مثابه دیگری^۵، اثر ارزش‌مندی است که او، به همین دلیل، در ادامه بند سوم زمان و روایت نگاشت. عمده آثار ریکور پس از این دوره، بسط نظریه روایت در سیاست، دین و اخلاق است. البته کتاب حاضر پرداختن اختصاصی در مورد این سه حوزه نخواهد داشت.

در بخش سوم، چنان‌که اشاره شد، قصد من نشان دادن نقش ریکور در توسعه‌دهندگی هرمنوتیک فلسفی و پیوند دادن آن با نظریه انتقادی است. به این منظور دو مسیر در این بخش پی‌گیری می‌شود: مسیر اول، مقایسه‌ای است مستقل، بین سه مفهوم بنیادین حقیقت و روش^۶ و زمان و روایت، که امکانات انتقادی هر یک را در مقایسه با دیگری بررسی می‌کند؛ و مسیر

1. Time and Narrative

2. Hermeneutics and Human Sciences

3. From Text to Action

4. Oneself as Another

5. Truth and Method

دوم، نگاهی است به اندیشه ریکور، در مورد مهم‌ترین رویارویی دو سنت فکری هرمنوتیک فلسفی و نظریه انتقادی. این رویارویی در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و با مجموعه مکتوباتی رخ داد که به مناظره گادامر - هابرماس شهره گشت.

یورگن هابرماس (۱۹۲۹-) که در سال ۱۹۶۷ با انتشار منطق علوم اجتماعی نقدهای خود را به ویژه علیه برداشت‌های پوزیتیویستی از جامعه‌شناسی بیان کرده بود، در نقد مفهوم تجربی بودن و ادعای بی‌طرفی در جامعه‌شناسی، از حقیقت و روش (۱۹۶۰) و مفهوم پیش‌داوری که توسط گادامر صورت‌بندی شده بود استفاده کرد. ولی از سوی دیگر هرمنوتیک فلسفی را نیز متهم به نادیده گرفتن ایدئولوژی به عنوان صورتی از ارتباط تحریف‌شده دانست و حضور پررنگ سنت در آن را انعی در برابر «نقد ایدئولوژی» قلمداد کرد. راه حل هابرماس برای ورود جنبه انتقادی به هرمنوتیک، تعبیه نوعی شرط «موقعیت ارتباطی آرمانی» به‌منظور تنظیم نوعی معیار برای ارتباط تحریف‌نشده و حتی روی آوردن به نوعی روان‌کاوی به‌منابه چارچوب نظری فراهم‌رمنوتیکس‌ای بود که هم سرکوب‌ها و تحریف‌ها را تشخیص دهد و هم جدا از فهم، توان تبیین پدیده‌های زبانی (۱) جمله پدیده‌های اجتماعی را داشته باشد.

در سمت دیگر مناظره، وقتی اساس فلسفه رت گادامر در حقیقت و روش به مفهوم «پیش‌داوری» و «پیش‌فرض» می‌پردازد، توجه ماملی به سه مفهوم «پیش‌داشت»، «پیش‌دید» و «پیش‌دریافت» هایدگر دارد. گادامر با اخذ تعسادی این دو مفهوم، سعی داشت تناهی و موقعیت‌مندی فهم انسان را بر مبنای مفهوم «درجه‌بندی» تألیف کند. بر این مبنای تفکر معطوف به حقیقت، تأملی هرمنوتیکی، یعنی تفکری است که تاریخت و افق‌های خود را نیز مورد تأمل قرار دهد. طرح مفهوم «تاریخ تأثیرات» در هرمنوتیک فلسفی گادامر دقیقاً از همین نقطه سر بر می‌آورد؛ «تاریخ تأثیرات» و «افق معنا»، دو شرط هرمنوتیکی امکان‌شناختند. گادامر پژوهش خود را به این نقطه محدود نمی‌کند و از شروط امکان‌شناخت به شرایط بسط آن، نزد مخاطب یا مفسر، نیز حرکت می‌کند. آنچه افق معنای محدود مفسر را گسترش می‌دهد، «آمیزش» آن با افق معنای محدود ابژه تفسیر است. این آمیزش نتیجه «عملی» تفسیر است که گادامر آن را «کاربست» می‌نامد. با این تفصیل، واضح است که مرجعیت و اقتدار «سنت» نزد گادامر، می‌تواند با خصلتی نوآورانه جمع شود که محدوده فهم را توسعه دهد.

هرچند تفکیک «سنت» از سنت‌ها در نقد «جهان‌شمولی سنت» و توجه به معنای اقتدار، نکاتی است که به نظر می‌رسد نزد هابرماس (و اکثر شارحان او مانند گیدنز، هولاب و بلایش) چندان مورد توجه قرار نگرفته است، اما نمی‌توان از این دغدغه اساسی هابرماس غافل شد که

سنت می‌تواند به نحوی نظام‌مند تحریف شده و ارتباط حقیقی را با خشونت پنهان و القای آگاهی کاذب خدشه‌دار کند و این رسالت علوم انسانی و اجتماعی است که برای این معضل چهاراندیشی کنند؛ آنچه گادامر (و شارحان مطرح او مانند گروندن، کوزنر هوی و واینسهایمر) با ذکر فلسفی و توصیفی بودن هرموتیک خود، از مواجهه جدی با آن سرباز می‌زنند.

ریکور که به ویژه در آثار متأخر خود به هایدگر و گادامر بیشتر ارجاع می‌دهد، مسیر هرموتیکی خود را کاملاً مستقل از گادامر آغاز می‌کند. از فریاد و فلسفه^۱ (۱۹۶۵) و تعارض تأویل‌ها (۱۹۷۱) که هیچ اثری از گادامر در آن‌ها دیده نمی‌شود، تا زمان و روایت (۱۹۸۲-۱۹۸۵) و از متا به کنش (۱۹۸۶) که مشخصاً به پدیدارشناسی هایدگر و هرموتیک گادامر نظر دارد، مسیر طولانی و پیچیده ریکور، آگاهانه با دوری از هستی‌شناسی کردن صرف هرموتیک و اختلاط هرموتیک و تحقق بنیادین اگزیستانس همراه بود. ریکور معتقد بود این هستی‌شناسی صرف، سمت و سوی معاشناسانه و نیز انتقادی هرموتیک را می‌پوشاند. او می‌کوشید تا از یک سو، با پیوند دادن هرموتیک و پدیدارشناسی از هرموتیک در مقابل نشانه‌شناسی ساختارگرا (مسئله فهم تاریخی و فهم زیبایی) و پس‌اساختارگرایی دریدا (مسئله من و دیگری) دفاع کند و از سوی دیگر با پیوند دادن هرموتیک و نظریه انتقادی، نوعی هرموتیک انتقادی را طرح کند که برخی دغدغه‌های هابرماس را برآورده سازد. یکی از بهترین ثمرات این مساعی را می‌توان در سه‌جلدی زمان و روایت، یافت.

کتاب حاضر که تنها به ویژگی دوم، یعنی توان انتقاد، هرموتیک ریکور در زمان و روایت، متمرکز است، از دو ویژگی هرموتیک ریکور بهره خواهد برد: یکی تعارض هرموتیک یقین و هرموتیک بدگمانی، و دیگری دیالکتیک فهم و تبیین. این دو البته به نحوی کاملاً مشهود به هم مرتبطند، اما هر کدام به وجه خاصی از فاصله هرموتیک ریکور و گادامر اشاره دارند. گادامر (در پاسخی غیرمستقیم به هابرماس) صراحتاً دغدغه خود را آنچه رخ می‌دهد می‌داند و نه آنچه باید رخ دهد. این درحالی است که ریکور رسالت و دغدغه هرموتیک و بلکه کل علوم انسانی را «بازسازی پویایی درونی متن و احیای قابلیت اثر برای برون‌افکنی من» در بازنمایی جهانی می‌داند که برای من قابل سکونت باشد. شرط امکان این بازسازی، شناخت بهتر خواننده از خود در جریان خوانش است. پس از نظر او، هرموتیک

بدگمانی مبتنی بر «تبیین» و نقد ایدئولوژی که نهایتاً کمک می‌کند تا آگاهی خودش را بهتر «بفهمد»، جزئی از رسالت اصلی فیلسوف و هر متفکر علوم انسانی است. این هرمنوتیک انتقادی کمک می‌کند «امتزاج افق‌ها» تا حد امکان به دور از «تحریف نظام‌مند ارتباط» رخ دهد. شعار معروف ریکور دقیقاً همین همین امر است: «تبیین بیشتر به منظور فهم بهتر».

کتاب حاضر در همین نقطه به پایان می‌رسد، اما دو وجه مهم هرمنوتیک روایی را پیش می‌کشد: کنش و هویت. هنگامی که ریکور رسالت هرمنوتیک را «بازسازی پویایی درونی متن» یا «سلسله افعال فهم در ارتباط با تأویل متون» می‌خواند، متن را در وسیع‌ترین معنای آن مراد می‌کند: کنش انسانی. کنش انسان تنها زمانی معنا دارد که بتوان آن را به صورت یک متن روایت کرد: از همین رو، ممکن این فرآیند هم باید ممکن و بلکه ضروری باشد: فهم و نتیجتاً هویت انسان را نیز باید تا حد امکان دانست. با این تفسیر، هرمنوتیک روایی ریکور از همان ابتدا هم به کنش و هم به هویت انسان مرتبط است: اولی در زمان و روایت و دومی در خویش شدن به مثابه دیگری، از موضوعات اصلی پژوهش فلسفی ریکورند. در اینجا نیز ریکور هم به فهم روایی به عنوان وضعیت تراژیک انسان در پرسیدن به فهم تام از خودش می‌پردازد و هم به مسئولیت انسان توانا در یافتن این فهم نظر را یعنی باز هم رسالت و وظیفه شناخت و زندگی بهتر را در کنار جنبه توصیفی و فلسفی هرمنوتیک خود جای داده است. به عبارت دیگر، هویت روایی، پرسش تأملی «من کیستم؟» را «پرسش هرمنوتیکی «چه می‌توانم کرد؟» تغییر می‌دهد. تغییری که هم یادآور امکان‌های دازاین در هستی و زمان است و هم از آن متمایز است. اطلاق صورت‌بندی هویت روایی بر هویت دینی و هویت فرهنگی (دو مسئله کلان علوم انسانی ما) و نقد و بررسی آن، هر چند از حیثه این اثر خارج است، اما می‌تواند موضوع مقالات و رسالات دیگری باشد که کار را جایی آغاز می‌کند که من به پایان برده‌ام. در بخش نتیجه‌گیری، تلاشی ناچیز به کار رفته است تا چشم‌اندازی بسیار محدود بر برخی دیگر از ابعاد فلسفی ریکور، با اشاره به منابعی مختصر، ترسیم شود.

کتاب حاضر در اصل اصلاح‌شده رساله کارشناسی ارشد من با عنوان «هرمنوتیک روایی ریکور؛ نگاهی به نظریه هرمنوتیکی پل ریکور و توان انتقادی آن» است که سال ۱۳۹۵ در گروه فلسفه دانشگاه تهران دفاع شد. لذا بر خود واجب می‌دانم بار دیگر از زحمات اساتید راهنما، مشاور و داورم، جناب آقایان دکتر طالب‌زاده، دکتر بهشتی و دکتر مصباحیان تشکر کنم که زحمات بی‌دریغی برای شکل‌گیری و تکامل این متن متحمل شدند. هم‌چنین از جناب آقای

دکتر علیا سپاس گزارم که خارج از فضای رسمی نکات ارزنده‌ای برای تکمیل این متن به من ارزانی داشت. در این میان، پیش از هر کس قدردان پدر و مادر عزیزم هستم که گرانمایه‌ترین سرمایه، عمر خود، را صرف آموزش و پرورش من کردند و بیش از هر کس، تقدیر خود را تقدیم همسر صبور و نازنینم، ستاره عزت‌آبادی می‌کنم که نه تنها با تحمل سختی‌های زندگی با من و نه تنها با حضور صمیمانه و امیدبخش خود، بلکه با اندیشه جوال و ذهن فعال خود، در این کار و در تمام زندگی کمک‌رسان من است. در پایان از دوست گران‌قدرم جناب آقای حیدرنیا و کلیه عوامل انتشارات نگارستان متشکرم که امکان چاپ این کتاب را فراهم کردند.